

جایگاه مفهوم «حاکمیت» در حقوق بین‌الملل فضا*

الهام امین‌زاده**

یونس علاقه‌بند حسینی***

چکیده

حقوق بین‌الملل فضا به‌عنوان جدیدترین شاخه حقوق بین‌الملل، مفاهیم جدیدی مرتبط با حاکمیت به لحاظ متفاوت بودن عرصه فضا با هوا و زمین - ارائه می‌دهد. از آغازین روزهای فعالیت بشر در فضای ماورای جو، اصل آزادی کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو در کنار اصل منع تملک اجرام آسمانی بر فعالیت‌های فضایی دولت‌ها حاکم بوده است. اما در نبود امکان اعمال حاکمیت در معنای سنتی خود در فضای ماورای جو، دولت‌ها چگونه می‌توانند بر فعالیت‌های تابعان خود در فضای ماورای جو نظارت داشته باشند و بر اموال، تأسیسات و تجهیزات خود در فضای ماورای جو اعمال صلاحیت کنند؟ از سوی دیگر در حقوق فضا، ارتباط میان حاکمیت و مالکیت چگونه قابل تبیین است؟ پاسخ به این پرسش‌ها موضوع مقاله پیش‌روست.

واژگان کلیدی

حاکمیت، صلاحیت انحصاری، حقوق هوا، حقوق فضای ماورای جو، معاهده فضای ماورای جو

* این مقاله از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت حاکمیت در فضای ماورای جو» استخراج شده است.

eaminzadeh@ut.ac.ir

** نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

allagheband@ut.ac.ir

*** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران

مقدمه

حقوق فضا به‌عنوان جدیدترین شاخه از دانش حقوق بین‌الملل با توسعه خیره‌کننده علمی و فنی - که برای اولین بار به بشر توانایی ترک کره زمین را بخشید - پا به عرصه وجود گذاشته است. این رشته از حقوق بین‌الملل از همان ابتدای تشکیل و تکامل، با سؤالات مهم و بنیادین چندی از قبیل تعیین مرز هوا و فضا، تعیین وضعیت حقوقی اشیاء هوا - فضایی و پیشگیری از گسترش مخاصمات مسلحانه به فضای ماورای جو مواجه بوده است. اما بدون تردید یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها تعیین حدود حاکمیت دولت‌ها در پهنه بیکران فضای ماورای جو است.

چالش مذکور از آن رو قوت می‌گیرد که اصل منع تصاحب، تملک و تصرف فضا و ممنوعیت طرح هرگونه ادعای حاکمیت بر قلمرو در معنای سنتی آن، یکی از اصول بنیادین و پذیرفته‌شده حاکم بر کاوش و بهره‌برداری از فضا است.^۱ ماده ۲ معاهده اصول حاکم بر فعالیت‌های دولت‌ها در کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو، شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی^۲ (از این پس معاهده فضای ماورای جو) تصریح می‌کند که دولت‌ها مجاز نخواهند بود فضای ماورای جو شامل ماه و سایر اجرام آسمانی را از طریق ادعای حاکمیت یا بهره‌برداری یا اشغال یا هر طریق دیگر مورد تملک و انحصار ملی قرار دهند. به همین منظور هر اقدامی که موجب تصاحب فضا توسط دولت‌ها، ملت‌ها، افراد یا شرکت‌ها شود منع شده است. اما این در حالی است که تمامی فعالیت‌های صورت‌گرفته در فضای ماورای جو توسط دولت‌های دارای حاکمیت به انجام می‌رسد و ظهور و گسترش فعالیت‌های شرکت‌های خصوصی در فضای ماورای جو نیز در این موضوع تغییر خاصی ایجاد نمی‌کند زیرا بر اساس ماده ۶ معاهده فضای ماورای جو، «فعالیت‌های نهادهای غیردولتی در فضای ماورای جو، شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی، نیازمند اجازه و نظارت مستمر دولت عضو معاهده است».

در حقیقت، صرف‌نظر از چالش تفکیک میان هوا و فضا، جامعه بین‌المللی بر سر این امر وفاق عام دارد که به دلیل تعلق فضای ماورای جو به همه، این محیط‌زیست طبیعی، غیرقابل تملک و حاکمیت‌ناپذیر است.^۳ در همین راستا، اصل منع تملک، بی‌ارتباط با اصل

1. Piradov, Aleksandr Sergeevich, *International Space Law* (Translated from the Russian text by Boris Belitsky), Progress Publishers, 1976, p. 85.

2. Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space, Including the Moon and Other Celestial Bodies (Outer Space Treaty), Signed: December 19, 1966, Entered into Force: October 10, 1967.

3. Shaw, Malcolm, *International Law*, Cambridge University Press, 2008, p. 544.

آزادی فضای ماورای جو نیست و حتی برخی آن را ضامن اصل آزادی می‌دانند^۴ و از دریچه همین ارتباط است که معاهده فضای ماورای جو، ماهیت حقوقی فضای ماورای جو شامل اجرام آسمانی را «اموال متعلق به عموم»^۵ و نه «اموال بلاصاحب»^۶ شناخته است.^۷ لازم به توضیح است که به لحاظ نظری، تفاوت این دو دسته اموال در آن است که نظام استفاده از اموال عمومی باید قانون‌مند شود و استفاده دولت‌ها از آن با نظارت مراجع و سازمان‌های بین‌المللی صورت پذیرد؛ درحالی‌که اموال بلاصاحب تا زمانی که هیچ‌کس ادعای مالکیت آن را طرح نکرده است به کسی متعلق نیست. نتیجه آنکه در رابطه با این اموال، اصل بر آزادی کامل است و در استفاده از آن، هیچ نظارت خاصی ضروری نیست.

به هر روی پرسش اصلی قابل طرح و تلاش نگارندگان در این مقاله تبیین این مسئله است که در سپهر حقوق بین‌الملل فضا، سه مفهوم متمایز و درعین‌حال به‌هم‌پیوسته حاکمیت، صلاحیت و مالکیت، چگونه با هم در تعامل هستند و فقدان حاکمیت در مفهوم سنتی خود، چه اثری بر نحوه اعمال صلاحیت دولت‌ها بر اتباع و اموال و همین‌طور اعمال حقوق مالکانه در فضای ماورای جو خواهد داشت.

این پژوهش پس از توضیح مختصری راجع به مفهوم حاکمیت، به بررسی تحول این مفهوم در حقوق هوا و حقوق فضا و سپس به چگونگی اعمال صلاحیت دولت‌ها بر اشخاص، تجهیزات و تأسیسات می‌پردازد. در پایان و در بخش نتیجه نیز توضیحاتی در خصوص ارتباط میان حاکمیت و مالکیت ارائه خواهد شد.

۱. شناخت مفهوم «حاکمیت»

اساساً حاکمیت از مفاهیم حقوق اساسی است اما در حقوق بین‌الملل عمومی نیز کاربرد دارد. حاکمیت، از منظر حقوق بین‌الملل معاصر، نشان‌دهنده جایگاه یک دولت در صحنه بین‌المللی است. این دولت در حوزه سرزمین خود تحت نظارت قضایی، تقنینی یا اداری دولت یا قانون خارجی دیگری قرار ندارد.^۸ حاکمیت، اقتدار و اختیار عالی‌ای است که ذاتاً در مفهوم دولت مستتر است و همواره نشانگر برترین مرجع حقوقی و سازمانی در داخل یک نظام است.^۹

۴. خسروی، مجید؛ هوا و فضا از دیدگاه حقوقی، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، ۱۳۸۱، ص ۶۲.

۵. *Res communis*

۶. *Res nullius*

۷. Williams, S. Celestial Bodies. In: Bernhardt (ed.), *Encyclopedia of Public International Law*, Installment 11, 1989, p. 52.

۸. Steinberger, Helmut. Sovereignty. In: Bernhardt, Rudolf, (ed.), *Encyclopedia of Public International Law*, Installment 10, 1987, p. 408.

۹. Coker, F. Sovereignty. In: *Encyclopedia of the Social Sciences*, Seligman, Edwin R. A. (ed.), The Macmillan Company, 1934.

هرچند برخی نویسندگان، حاکمیت را مفهوم مبهم و نامشخص می‌دانند،^{۱۰} به‌هرحال در مورد این مسئله تردیدی وجود ندارد که باید دولت‌ها را موجودیت‌هایی حاکم در پهنه حقوق بین‌الملل به‌شمار آورد. به‌دیگر بیان، تصور موجودیتی به‌عنوان دولت، بدون قائل‌شدن به حاکم بودن آن، غیرممکن است.

حاکمیت را نمی‌توان در زمره مفاهیم بسیط حقوقی به حساب آورد. به‌عبارت‌دیگر، حاکمیت دولت‌ها در عرصه داخلی و بین‌المللی به صورت‌های گوناگون متجلی می‌شود. یکی از اشکال حاکمیت که در این بحث مورد توجه است، «حاکمیت سرزمینی»^{۱۱} است که به باور برخی حقوق‌دانان، مهم‌ترین وجه از وجوه مختلف اقتدارات حاکمیتی دولت‌هاست.^{۱۲} حاکمیت سرزمینی در سه عرصه متفاوت متصور است: سطح، زیرسطح و قلمرو فوقانی سطح. البته ملاک این تقسیم‌بندی مؤلفه‌های جغرافیایی است. از منظر حقوقی، محدوده سرزمینی یک دولت، مناطقی است که آن دولت در آن قادر به اعمال صلاحیت و اختیارات حاکمیتی انحصاری است.

از همان آغازین روزهای عصر فضا این مسئله مشخص شد که مشکل امتداد رو به بالای حاکمیت در زمره اولین چالش‌های عمده در این دوران به حساب خواهد آمد. برخی از نظریه‌های اولیه، امکان تعیین دقیق گستره رو به بالای حاکمیت ملی را با توسل به تفسیر حاصل از معنای «قلمرو هوایی» یا با قیاس از حقوق دریاها مطرح کردند. اما گذر زمان، ناتوانی این نظریات را در ارائه راه‌حل‌های مقتضی با توجه به طبیعت و ویژگی‌های خاص فضای ماورای جو مشخص نمود.^{۱۳}

۲. شناخت مفهوم «حاکمیت» در حقوق هوا

حرکت به سوی مفهومی معنی‌دار از حاکمیت بر حریم هوایی از اوایل قرن بیستم میلادی آغاز شد.^{۱۴} تا قبل از آن، قاعده‌ای قدیمی در حقوق رم مبنی بر آنکه «هر که بر خاک حاکم است، تا آسمان بر آن مسلط است»^{۱۵} مالکیت افراد حقوق خصوصی بر منطقه هوایی بالای سرزمین تحت

10. e.g. Wildhaber, Luzius, Sovereignty and International Law, in: Macdonald Ronald St John, and Johnston, Douglas Millar, (eds.), *The Structure and Process of International Law*, Martinus Nijhoff Publishers, 1983, p. 425.

11. Territorial Sovereignty

12. Brownlie, Ian, *Principles of Public International Law*, Oxford University Press, 7th Edition, 2008, p. 107.

13. نواده توپچی، حسین؛ حقوق بین‌الملل فضا، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، ۱۳۷۸، ص ۵۸.

14. Weaver, Jefferson, Illusion or Reality? State Sovereignty in Outer Space, *Boston University International Law Journal*, vol. 10, 1992, p. 209.

15. *cujus est solum, ejus est usque ad coelum*

تملك خود را به رسمیت می‌شناخت. به همین ترتیب دولت‌ها نیز مدعی حاکمیت انحصاری بر فضای هوایی بالای سرزمین تحت کنترل خود بودند.

فارغ از برخی نظرات پراکنده در مخالفت با این موضوع،^{۱۶} حقوق بین‌الملل معاصر نیز با این نظر سنتی هم‌داستان است و صرف‌نظر از مشکل تحدید حدود هوا و فضا که محدوده این صلاحیت انحصاری را مشخص می‌کند، در اصل مسئله، اختلاف‌نظر خاصی وجود ندارد. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در پرونده نیکاراگوئه، صلاحیت انحصاری بر قلمرو هوایی بالای سرزمین را یک اصل حقوقی پذیرفته‌شده در سطح بین‌المللی می‌داند. به باور دیوان:

«اصل احترام به تمامیت سرزمینی یک دولت، با عبور غیرمجاز هواپیمای متعلق به دولت‌های دیگر و استفاده بدون مجوز از حریم هوایی نیز نقض می‌شود».^{۱۷}

علاوه بر این، کنوانسیون پاریس به‌عنوان نخستین سند بین‌المللی در زمینه حقوق هوا نیز بر این اصل مهم صحنه گذارده است. در ماده ۱ این کنوانسیون آمده است:

«طرفین معظم متعاهد، هریک از اعضای کنوانسیون را صاحب حاکمیت کامل و انحصاری بر قلمروی هوایی بالای سرزمین خود خواهند شناخت».

این باور عمومی دولت‌ها در معاهدات و کنوانسیون‌های بعدی نیز مورد تکرار و تصریح قرار گرفته است. کنوانسیون مادرید (۱۹۲۶)، کنوانسیون هاوانا (۱۹۲۸) و از همه مهم‌تر کنوانسیون شیکاگو (۱۹۴۴) همگی بر حاکمیت انحصاری دولت‌ها بر محدوده هوایی بالای سرزمین‌شان تأکید دارند. به نظر می‌رسد که حتی پیش از وقوع جنگ جهانی اول نیز این برداشت از وضعیت حقوقی قلمرو هوایی بالای سرزمین در بین دولت‌ها عمومیت داشت. به‌عنوان نمونه، می‌توان به واکنش هلند در سال‌های پیش از شروع جنگ در اعتراض به عبور هواپیماهای آلمان از فراز خاک آن کشور بدون کسب اجازه قبلی اشاره کرد.^{۱۸}

به این ترتیب مشخص شد که موضع حقوق بین‌الملل در رابطه با مفهوم حاکمیت در حقوق هوا کاملاً مشخص و شفاف است و تسلط بی‌چون‌وچرای دولت‌ها بر فضای هوایی بالای قلمرو، خود یک اصل پذیرفته‌شده و استقرار یافته در سپهر حقوق بین‌الملل به حساب می‌آید.

آخرین نکته قابل بررسی در مورد تحدید حدود حاکمیتی دولت‌ها در حقوق هوا که اتفاقاً

۱۶. فوشیل یکی از این حقوق دانان است. وی بر این باور بود از آنجاکه هیچ فرد یا دولتی نمی‌تواند به همان ترتیبی که بر خشکی مسلط است بر قلمروی هوایی نیز اعمال اقتدار کند، ادعای حاکمیتی بر حریم هوایی محلی از اعراب ندارد.

17. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (*Nicaragua v. United States of America*), Merits, Judgment, *I.C.J. Reports* 1986, para. 251.

18. Dodge, Michael S, Sovereignty and the Delimitation of Airspace: A Philosophical and Historical Survey Supported by the Resources of the Andrew G. Haley Archive, *Journal of Space Law*, vol. 35, 2009, pp. 16- 17.

به مباحث مطرح در حقوق فضا نیز بی‌ارتباط نیست، پاسخ به این سؤال است که آیا حقوق بین‌الملل در شکل و ساختار کنونی خود، به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا برای قراردادن یک شیء فضایی در مدار، بدون کسب اجازه و هماهنگی قبلی، از حریم هوایی سایر دولت‌ها استفاده کنند؟

هرچند اکثر دولت‌هایی که در حال حاضر اقدام به پرتاب اشیاء فضایی به فضای ماورای جو می‌کنند (از جمله ایالات متحده، روسیه، چین) دارای قلمرو وسیعی هستند، به‌هرحال با دسترسی رو به گسترش دولت‌های جهان به فناوری ساخت و پرتاب فضاپیماها، این احتمال وجود دارد که این مسئله در آینده نزدیک به یک چالش جدی بدل شود.

برخی نویسندگان در پاسخ به این سؤال این‌طور استدلال می‌کنند که چون دسترسی آزادانه و آزادی کاوش در فضای ماورای جو در زمره اصول پذیرفته در حقوق بین‌الملل است دولت‌ها نمی‌توانند بدون ارائه دلایل موجه، امکان عبور فضاپیماها از قلمرو هوایی خود را مختل نمایند.^{۱۹} به‌عبارت‌دیگر، عبور از قلمرو هوایی به‌عنوان پیش‌شرط تحقق اصل آزادی کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو نمی‌تواند به حالت تعلیق درآید. این نظر از آن‌رو قابل دفاع است که باتوجه‌به نبود ایستگاه‌های فضایی دائمی در فضای ماورای جو، تنها راه ممکن پیش‌روی دولت‌ها برای قراردادن فضاپیماها و اشیاء فضایی خود در مدار، پرتاب آن‌ها از پایگاه‌های مستقر بر روی کره زمین است. در نتیجه همواره امکان عبور فضاپیما از فضای هوایی دولت‌های دیگر - پیش از قرارگرفتن در مدار - وجود دارد.

به نظر می‌رسد که در این زمینه هنوز نمی‌توان دولت‌ها را در قالب یک قاعده عرفی ملزم دانست. در اسناد حقوق فضا نیز به این موضوع اشاره‌ای نشده است.

به‌هرحال، می‌توان برای حفظ حقوق حاکمیتی دولت‌ها در این زمینه در قالب توافقات یا قراردادهای دوجانبه مقرر کرد که دولت‌ها ملزم باشند برای اثبات حسن‌نیت خود، دلایل کافی برای ضروری‌بودن عبور شیء فضایی متعلق به خود از فراز قلمرو هوایی دولت صاحب قلمرو ارائه دهند و برای تأمین امنیت عبور شیء، تضمینات کافی به دولت صاحب قلمرو بدهند یا صلح‌آمیزبودن هدف پرتاب آن شیء را تضمین و تأیید کنند. به‌این‌ترتیب حتی اگر کسب اجازه قبلی از سوی دولت صاحب شیء فضایی یا دولت مسئول پرتاب، در این زمینه لازم دانسته شود، بدون تردید، لزوم اطلاع قبلی به دولت صاحب قلمرو، غیرقابل انکار است. این مسئله علاوه‌بر ملاحظات حاکمیتی دولت‌ها، در جهت جلوگیری از بروز مشکل در امور مربوط به کنترل ترافیک هوایی و پیشگیری از بروز حادثه میان اشیاء فضایی و هواپیماهای در حال پرواز

19. Goedhuis, Daniel, Influence of the Conquest of Outer Space on National Sovereignty: Some Observations, *Journal of Space Law*, vol. 6, 1978, p. 45.

است. این نکته در پیشنهادهای مختلف راجع به تحدید حدود هوا و فضا مورد تأکید واقع شده است. برای مثال، در کد پیش‌نویس «مؤسسه دیوید دیویس» در سال ۱۹۶۲ به این موضوع اشاره شده است:

«هیچ فضایی پرتاب‌شده از سرزمین هر کشوری در هیچ مرحله‌ای از پرواز یا پرتاب، نباید بدون رضایت کشوری خاص وارد قلمرو هوایی آن کشور شود. البته اگر قبلاً به کشوری که در صدد پرتاب یا پرواز است اجازه این امر داده شده باشد، این رضایت نباید بازپس گرفته شود به شرطی که پرواز یا پرتاب صرفاً جهت اهداف علمی و صلح‌آمیز بوده و چنان تحت کنترل باشد که هواپیماها را به مخاطره نیفکند».^{۲۰}

البته امروزه این امکان از طریق اینترنت فراهم شده است تا برنامه پروازها در سطح جهانی در دسترس دولت‌های پرتاب‌کننده قرار گیرد و این دولت‌ها معمولاً برنامه پرتاب‌های خود را با این اطلاعات تنظیم می‌کنند.

۳. شناخت مفهوم «حاکمیت» در حقوق فضا

چهارم اکتبر سال ۱۹۵۷، اسپوتنیک، اولین ساخته دست بشر در مدار زمین قرار گرفت و همین واقعه سرآغازی بود بر پیدایش عصر فضا. این ماهواره برای قرارگرفتن در مدار موردنظر از فراز قلمرو چندین کشور در فضای ماورای جو عبور کرد. اما هیچ‌یک از این کشورها به این مسئله اعتراض نکردند. پس از آن و در سال‌های بعد، پرتاب‌های متعددی توسط شوروی و ایالات متحده به همین ترتیب صورت گرفت. در این موارد نیز دولت‌ها هیچ‌گونه اعتراض یا مخالفتی با عملکرد این دو کشور از خود نشان ندادند. به این ترتیب هرچند بنا به دلایل امنیتی، حاکمیت ملی در قلمرو هوایی رو به بالا امتداد یافته است، چنین حاکمیتی به‌وضوح در ارتفاع معینی بر فراز زمین خاتمه می‌یابد. عملکرد کشورها در سال‌های پس از آغاز عصر فضا نشان می‌دهد که کشورهای دارای فناوری فضایی حق دارند سفینه‌ها و وسایل حمل‌ونقل فضایی خود را از فراز مرز دیگر کشورها عبور داده و در مدار قرار دهند.^{۲۱}

ممنوعیت ادعای حاکمیتی در فضای ماورای جو دارای دو وجه قابل تمایز از هم است؛ وجه نخست، توقف حاکمیت دولت‌ها در ارتفاعی معین از سطح زمین و پایان قلمرو هوایی آنان است که در بند قبل مورد اشاره قرار گرفت. (صرف‌نظر از معضل تعیین مرزبندی میان هوا و فضا) و وجه دوم، غیرمجازبودن طرح ادعاهای حاکمیتی بر سطح کرات و اجرام آسمانی در معنای

20. David Davies Memorial Institute, Draft Code of Rules on the Exploration and Uses of Outer Space, *Journal of Air Law*, vol. 29, 1963, pp. 141- 150.

۲۱. نواده توپچی؛ همان، ص ۶۸.

اكتساب سرزمین از طرق مختلف است. به نظر می‌رسد که این شق دوم بیشتر مورد توجه اسناد حقوق فضا قرار گرفته است و بعید نیست که هدف اصلی از تدوین ماده ۲ معاهده فضای ماورای جو^{۲۲} نیز برقراری نظام منع تملک ملی دولت‌ها در همین معنای دوم باشد. این نظر از آن رو قوت می‌گیرد که برخی طرقی که در متن ماده صراحتاً از مصادیق «ادعاهای حاکمیتی» به‌شمار آمده و ممنوع اعلام شده است (بهره‌برداری و اشغال) بیشتر درمورد اجرام آسمانی مصداق دارد تا فضای میان کرات آسمانی.

رویه تثبیت‌شده قدرت‌های فضایی نیز حاکی از این است که برخلاف قلمروهای سرزمینی، هیچ دولتی نمی‌تواند بخشی از فضای ماورای جو شامل ماه و سایر اجرام آسمانی را تحت کنترل حاکمیتی خود درآورد یا آن را به‌عنوان بخشی از سرزمین خود محسوب کند. با این توضیح که در تحلیل نهایی، هدف از درج این نکته تضمین استفاده صلح‌آمیز از ماورای جو شامل ماه و سایر اجرام آسمانی و فراهم‌کردن امکان کاوش و بهره‌برداری از این گستره است.^{۲۳} بدیهی است صرف طرح ادعای مالکیت از سوی یک دولت و مخالفت احتمالی دولت یا دولت‌های دیگر با آن می‌تواند باعث ایجاد تنش در روابط بین دو یا چند دولت شود.

اما سؤال مهمی که در این میان قابل بررسی است آن است که فارغ از عدم امکان طرح ادعای تصاحب سرزمین یا اعمال کنترل انحصاری بر بخشی از اجرام آسمانی یا فضای میان کرات، وضعیت اعمال حقوق حاکمیتی و صلاحیت دولت‌ها بر فضاپیماها، تأسیسات، تجهیزات یا افراد حاضر در فضای ماورای جو به چه ترتیب خواهد بود و آیا عدم امکان اعمال اقتدارات حاکمیتی در فضای ماورای جو، لاجرم به معنای عدم امکان کنترل بر سفاین فضایی و فضاءنوردان حاضر در این پهنه بیکران است و آیا این بدان معنی است که مثلاً در طرح‌ها و پروژه‌های عظیم فضایی که با شرکت کشورهای متعددی به انجام می‌رسد، دولت‌ها به‌صورت انفرادی قادر به اعمال صلاحیت نیستند و باید هیئتی متشکل از نمایندگان جامعه جهانی بر تأسیسات و استحکامات مستقر در فضای ماورای جو اعمال کنترل و صلاحیت کند؟

به نظر می‌رسد که برای یافتن پاسخ به این سؤال باید به منابع حقوق بین‌الملل فضا، یعنی معاهدات فضایی و رویه دولت‌ها در این زمینه رجوع کرد. در این قسمت برای دسته‌بندی بهتر مطلب، موضوع در دو بخش نحوه اعمال صلاحیت بر افراد و نحوه اعمال صلاحیت بر تأسیسات و تجهیزات فضایی مطرح می‌شود.

۲۲. بر اساس ماده ۲ معاهده:

«فضای ماورای جو، شامل ماه و سایر اجرام آسمانی، از طریق ادعای حاکمیت، از طریق بهره‌برداری یا اشغال، یا هر طریق دیگر تحت تملک ملی قرار نمی‌گیرد».

23. Hobe, Stephan, et al (eds.), Cologne Commentary on Space Law, vol. I, Karl Heymanns Verlag, 2009, p. 53.

۳-۱. نحوه اعمال صلاحیت بر افراد در فضای ماورای جو

مقررکردن ضمانت اجرا برای تخلفات افراد در مناطقی از گستره فعالیت‌های بشر که در آن‌ها اصول حاکمیت و صلاحیت با جرح و تعدیل قابل اعمال است، همواره به‌عنوان یک چالش مطرح بوده است. باید اذعان کرد که در اسناد پنج‌گانه حقوق فضا که تحت لوای سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است، مقررات خاصی در خصوص نحوه اعمال صلاحیت بر افراد حاضر در فضای ماورای جو وجود ندارد به‌خصوص اینکه روند تهیه و تنظیم معاهدات فضایی پس از سال ۱۹۸۴ متوقف شد و این در حالی است که از آن سال به بعد تا به امروز، تحولات شگرفی در زمینه کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو صورت پذیرفته است و علاوه بر این، پیرنگ‌ترشدن حضور بخش خصوصی و رونق گردشگری فضایی به‌صورت بالقوه بر دامنه مشکلات در این حوزه افزوده است.

فارغ از یک ماده در معاهده فضای ماورای جو و ترتیبات مرتبط در «موافقت‌نامه نجات و بازگرداندن فضانوردان و بازگرداندن اشیاء پرتاب‌شده به فضای ماورای جو»^{۲۴} (از این پس موافقت‌نامه امداد و نجات)، اصولاً اشاره خاصی به افراد در معاهدات سازمان ملل به چشم نمی‌خورد. البته این مسئله با عنایت به زمان تدوین معاهدات مذکور، نوع و طبیعت فعالیت‌های فضایی در آن دوران و قصد و نیت دولت‌ها از تهیه این اسناد که بیشتر تعیین چارچوب‌های کلی برای تنظیم فعالیت‌های دولتی در عرصه فضای ماورای جو بود، تا حدودی موجه به نظر می‌رسد. همان‌طور که اشاره شد، تنها در معاهده فضای ماورای جو و موافقت‌نامه امداد و نجات به حقوق افراد حاضر در فضای ماورای جو اشارات مختصری شده است. البته ترتیبات مربوط در دو سند به نوعی تکراری بوده و مقررات موجود در موافقت‌نامه امداد و نجات تا حد زیادی بسط و گسترش محتوای ماده ۵ معاهده فضای ماورای جو محسوب می‌شود.

علاوه بر این، مقررات مذکور در این اسناد نیز تنها محدود به تعیین تکلیف وضعیت فضانوردان در شرایط خاص (بروز تصادف، گرفتاری، فرود اضطراری یا غیرارادی) است و در خصوص نحوه پیشبرد مأموریت‌های فضایی توسط این افراد و احتمالاً بررسی دولت صاحب صلاحیت در فرض وقوع جرم در اسناد یادشده، ترتیبات خاصی به چشم نمی‌خورد. البته شاید عدم اشاره به اینکه چه دولت‌هایی می‌توانند بر فضانوردان در فضای ماورای جو اعمال صلاحیت کنند به دلیل وضوح این مسئله بوده است.

به‌هرحال بر اساس ماده ۵ معاهده فضای ماورای جو، فضانوردانی که در قلمرو یک دولت عضو یا دریاهای آزاد دچار حادثه شوند، با ایمنی و به‌سرعت به دولت ثبت‌کننده^{۲۵} فضاپیمایشان

24. Agreement on the Rescue of Astronauts, the Return of Astronauts and the Return of Objects Launched into Outer Space, Signed: April 22, 1968, Entered into force: December 3, 1968.

25. State of Registry

بازگردانده خواهند شد. گویی از نظر معاهده، دولت ثبت‌کننده فضاییما به‌عنوان دولت صاحب صلاحیت شناخته شده است. اما در موافقت‌نامه امداد و نجات، دولت نجات‌دهنده موظف است تا مقام پرتاب‌کننده^{۲۶} و نه دولت ثبت‌کننده را از جریان پیشرفت عملیات نجات مطلع سازد. به‌عبارت‌دیگر این دو معاهده، دو نهاد صاحب صلاحیت متفاوت را برای بازگرداندن فضانوردان نجات‌یافته از سانحه معرفی می‌کند.

پس از گسترش حضور انسان در فضای ماورای جو در دو دهه گذشته، تلاش‌های چندی در سطح بین‌المللی برای جبران نقایص معاهدات فضایی در زمینه نحوه اعمال صلاحیت بر افراد در فضای ماورای جو صورت گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها مقررات مندرج در «موافقت‌نامه ایستگاه فضایی بین‌المللی»^{۲۷} است که در سال ۱۹۹۸^{۲۸} بین دولت‌های دخیل در طرح ایستگاه فضایی بین‌المللی یعنی کانادا، ایالات متحده، روسیه، ژاپن و آژانس فضایی اروپایی منعقد شد.

توضیح آنکه به همراه این سند، دولت‌های دخیل در این طرح، اقدام به امضای یادداشت تفاهمی کردند که به موافقت‌نامه مزبور منضم شد. بر اساس بند ششم از ماده ۱۱ این یادداشت تفاهم، دولت‌ها مأمور به تهیه و تنظیم دستورالعملی شدند که موارد و ترتیبات زیر را پوشش دهد: تعیین سلسله‌مراتب حاکم بر سرنشینان ایستگاه فضایی، نحوه تقسیم مدیریت میان مسئولیت‌های افراد حاضر در ایستگاه و مراکز کنترل مستقر در زمین و مقررات انضباطی.

در این رابطه، توجه به مفاد ماده ۲۲ موافقت‌نامه ایستگاه فضایی حائز اهمیت است: «با عنایت به ویژگی منحصربه‌فرد و بی‌سابقه همکاری بین‌المللی دولت‌ها [در احداث و راه‌اندازی چنین طرحی] در فضای ماورای جو [...]»:

۱. دولت‌های کانادا، دولت‌های عضو اتحادیه اروپا، ژاپن، روسیه و ایالات متحده مجازند بر سرنشینان حاضر در هریک از بخش‌های این ایستگاه که تبعه آنان به حساب می‌آیند اعمال صلاحیت کیفری کنند.

26. Launching Authority

27. International Space Station Agreement (ISS Agreement)

۲۸. لازم به توضیح به نظر می‌رسد که پیش از این موافقت‌نامه، که دومین توافق بین‌المللی از این نوع است، دولت‌های ایالات متحده، کانادا، ژاپن و تعدادی از دولت‌های اروپایی (در قالب سازمان فضایی اروپایی) در سال ۱۹۸۸ اقدام به انعقاد نخستین موافقت‌نامه ایستگاه فضایی کردند، که البته بنا به دلایلی که مهم‌ترین آن را می‌توان پایان جنگ سرد و بازتعریف رابطه شوروی و دولت‌های غربی در زمینه همکاری‌های بین‌المللی در عرصه کاوش و بهره‌برداری از فضای ماورای جو دانست، چندان مؤثر و مفید نبود و به همین دلیل موافقت‌نامه جدیدی با هدف الحاق شوروی به این پروژه در تاریخی که ذکر شد انعقاد یافت، ن.ک:

Agreement among the Government of the United States of America, Governments of Member States of the European Space Agency, the Government of Japan, and the Government of Canada on Cooperation in the Detailed Design, Development, Operation, and Utilization of the Permanently Manned Civil Space Station, signed on September 29, 1988, entered into force on January 30, 1992 .

۲. در صورت بروز رفتار متخلفانه‌ای در مدار که جان یا امنیت اتباع سایر دول همکار در این طرح را به خطر اندازد یا به بخش‌هایی از ایستگاه متعلق به دولتی غیر از دولت متبوع متخلف، خسارت وارد کند:

دولت عضوی که فرد متخلف از اتباع وی است، در صورت درخواست دولت متضرر، با دولت اخیر در مورد تمایل آن دولت برای تعقیب کیفری فرد خاطی مشورت خواهد نمود. متعاقب این مسئله، در صورتی که دولت متبوع فرد متخلف، ظرف مدت ۹۰ روز با درخواست دولت متضرر موافقت کند یا در طی همین مدت، قصد صریح خود را مبنی بر تعقیب فرد خاطی اعلام ننماید، دولت متضرر، مجاز به اعمال صلاحیت کیفری در مورد آن فرد است.»

ملاحظه می‌شود که صلاحیت اصلی و اولیه قابل اعمال بر فضانوردان و سرنشینان حاضر در ایستگاه فضایی، صلاحیت دولت متبوع آنان است و تنها در صورت تعلل در محاکمه، موافقت دولت مذکور با استرداد فرد خاطی یا انقضای مهلت سه ماه که در طی آن دولت خسارت‌دیده و دولت متبوع فرد خاطی فرصت رایزنی برای حل و فصل طرق تعقیب و مجازات را دارند، طرق مجازات به شکل دیگری دنبال خواهد شد.^{۲۹} البته نظام پیش‌بینی‌شده در موافقت‌نامه ایستگاه فضایی بین‌المللی نیز با کاستی‌هایی روبه‌رو است. به‌طور مثال، این مقررات تنها در مورد «پرسنل» حاضر در ایستگاه قابلیت اعمال دارد و این در حالی است که در موافقت‌نامه، تعریفی از واژه «پرسنل» ارائه نشده است. این مسئله با توجه به امکان سفر گردشگران فضایی به ایستگاه فضایی بین‌المللی باید مورد توجه قرار گیرد به ترتیبی که یا در متن موافقت‌نامه اصلاحاتی انجام شود یا دولت‌ها با رویه بعدی خود، دامنه این واژه را به گردشگران فضایی نیز توسعه دهند. علاوه بر این، ترتیبات یادشده تنها در رابطه با اتباع دولت‌های عضو موافقت‌نامه قابل اجرا است و در رابطه با غیراعضا، مقررات موجود در معاهده فضای ماورای جو حاکم خواهد بود؛ به این ترتیب که مبنای اعمال صلاحیت، کنترل و تسلط دولت بر آن بخش از ایستگاه فضایی است که عمل مجرمانه در آن رخ داده است.

نتیجه آنکه دولت‌ها در تنظیم فعالیت‌هایی که اتباعشان در ورای مناطق تحت صلاحیت آنان به انجام می‌رسانند آزادی عمل دارند و به این ترتیب موضوع اعمال صلاحیت در این رابطه، «فرد» خواهد بود. اما در هر صورت - همان‌گونه که در سطور پیش نیز ملاحظه شد - با توجه به نارسایی‌های موجود در معاهدات پنج‌گانه فضای ماورای جو، تنظیم معاهدات چندجانبه در سطح بین‌المللی می‌تواند گامی مؤثر و مفید در برطرف کردن کاستی‌ها در زمینه قانونگذاری باشد.

29. De Roos, Theo, *Disciplinary and Criminal Law in Space*, in: Brus, Marcel, and von der Dunk, Frank, (eds.), *The International Space Station: Commercial Utilisation from a European Legal Perspective*, Martinus Nijhoff Publishers, 2006, p. 122.

۲-۳. نحوه اعمال صلاحیت بر تأسیسات و تجهیزات فضایی

برخلاف افراد، در زمینه نوع و نحوه اعمال صلاحیت بر فضاپیماها، تأسیسات و تجهیزات فضایی مقررات کامل‌تری در معاهدات حقوق فضای ماورای جو سازمان ملل وجود دارد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

معاهده فضای ماورای جو در چند ماده به مقوله صلاحیت و نحوه اعمال اختیارات حاکمیتی اشاراتی دارد. به‌عنوان نمونه، ماده ۶ این سند، دولت‌های عضو معاهده را به جهت فعالیت‌های ملی در فضای ماورای جو، اعم از آنکه این قبیل فعالیت‌ها توسط کارگزاری‌های دولتی یا نهادهای غیردولتی انجام شود، دارای مسئولیت بین‌المللی می‌داند. به عقیده برخی نویسندگان، اشاره این ماده به مسئولیت دولت‌های عضو خود، به معنی تأیید توانایی اعمال حاکمیت و اقتدار کشورها در فضای ماورای جو است زیرا بسیار شگفت‌آور خواهد بود اگر کشوری از نظر بین‌المللی مسئول فعالیت‌های مؤسسات دولتی و غیردولتی خود شناخته شود درحالی‌که حق اعمال اقتدار رسمی و کنترل مؤثر بر آن‌ها را نداشته باشد.^{۳۰} اما ماده ۶ در رابطه با اینکه در صورت ورود خسارت، مسئولیت بین‌المللی متوجه کدام‌یک از دولت‌های دخیل در امر فرستادن شیء فضایی خواهد بود ترتیبات خاصی ندارد. البته این مسئله در ماده ۷ ذکر شده است. مطابق این ماده:

«هر دولت عضو معاهده که اقدام به پرتاب یا سفارش پرتاب شیئی به فضای ماورای جو، شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی می‌کند، و هر دولت عضو که شیئی از قلمرو یا تأسیسات آن پرتاب می‌شود، در قبال خساراتی که شیء مزبور یا قطعات تشکیل‌دهنده آن در زمین، هوا یا فضای ماورای جو، شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی به دیگر دولت عضو معاهده یا اتباع حقیقی و حقوقی آن وارد می‌آورد از نظر بین‌المللی مسئول بدون تقصیر است.»

البته ممکن است ایراد شود که مجموعه مادتین ۶ و ۷ معاهده را نمی‌توان به‌عنوان مواد انحصاری تعیین‌کننده صلاحیت در معاهده فضای ماورای جو به‌شمار آورد زیرا مواد مذکور تنها به تعیین دولت مسئول و نحوه جبران خسارت اختصاص دارند. این نظر از آن‌رو تقویت می‌شود که معاهده در ماده ۸ به‌صراحت در خصوص مسئله دولت صاحب صلاحیت، تعیین تکلیف کرده است. مطابق این ماده از معاهده:

«هر دولت عضو معاهده که یک شیء پرتاب‌شده به فضای ماورای جو به نام آن ثبت شده است، صلاحیت و نظارت بر شیء مزبور و هر پرسنل سوار بر آن را در طی حضور در فضای ماورای جو یا یک جرم آسمانی حفظ می‌کند. مالکیت اشیاء پرتاب‌شده به فضای

ماورای جو، شامل اشیایی است که بر یک جرم آسمانی فرود آمده‌اند یا بر روی آن ساخته شده‌اند، و اجزای آن‌ها از حضور آن‌ها در فضای ماورای جو یا بر روی یک جرم آسمانی یا بازگشت آن‌ها به زمین متأثر نمی‌شود. در صورتی که چنین اشیایی یا قطعات آن‌ها در ورای مرزهای دولت عضو معاهده که آن‌ها را ثبت کرده است یافت شود، به آن دولت عضو بازگردانده خواهند شد [...]».

اگر مقررات ماده ۸ در کنار ترتیبات ماده ۱۲ معاهده قرار گیرد مشخص می‌شود که معاهده فضای ماورای جو به‌عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی در حقوق فضا نه تنها اعمال امتیازات و حقوق حاکمه را در فضا منسوخ نکرده است، بلکه به‌صراحت بر آن‌ها صحه گذارده است. مطابق با ترتیبات ماده ۱۲، تمامی ایستگاه‌ها، تأسیسات، تجهیزات و وسائل نقلیه فضایی بر روی ماه و دیگر اجرام آسمانی بر مبنای عمل متقابل برای بازدید به روی نمایندگان دیگر دولت‌های عضو معاهده باز است اما این نمایندگان برای انجام بازدیدهای مورد اشاره در ماده ابتدا باید قصد خود مبنی بر انجام چنین بازدیدهایی را در یک آگهی منطقی قبلی اعلام نمایند تا دولت صاحب صلاحیت (دولت ثبت‌کننده شیء فضایی) بتواند احتیاطات حداکثری را انجام دهد. از آن مهم‌تر اینکه بازدیدها نباید به نحوی انجام گیرد که در عملکرد معمول تأسیسات مورد بازدید، اختلال ایجاد کند.^{۳۱}

«کنوانسیون مربوط به مسئولیت بین‌المللی درمورد خسارت ناشی از اجسام فضایی»^{۳۲} (ازین پس کنوانسیون مسئولیت) نیز در ماده ۲ خود، دولت پرتاب‌کننده را مسئول خسارات واردشده توسط اجسام فضایی متعلق به وی دانسته است که به فرض پذیرش استدلال مطرح‌شده در صفحات پیش، می‌توان آن را اشاره‌ای غیرمستقیم در تعیین دولت صاحب صلاحیت در کنوانسیون مسئولیت به‌شمار آورد.

«کنوانسیون ثبت اشیاء پرتابی به فضای ماورای جو»^{۳۳} نیز در مواد ۱ و ۲ دولت پرتاب‌کننده شیء به فضای ماورای جو را مسئول ثبت آن معرفی می‌کند. دلایل متعددی ثبت اشیاء فضایی را ضروری می‌کند که توضیح درمورد آن‌ها از حوصله این مقال خارج است. اما بدون تردید یکی از مهم‌ترین آن‌ها شناسایی دولت صالح برای کنترل و اعمال صلاحیت بر آن شیء فضایی است.

بدین ترتیب در مقام جمع‌بندی مطالب این قسمت می‌توان مدعی شد که حقوق بین‌الملل

۳۱. برای مطالعه بیشتر در این رابطه، ن.ک.: امین‌زاده، الهام؛ حقوق بین‌الملل فضا؛ معاهده فضای ماورای جو، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱، صص ۲۲۲-۲۱۲.

32. Convention on the International Liability for Damage Caused by Space Objects, Signed: March 29, 1972, Entered into force: September 1, 1972.

33. Convention on Registration of Objects Launched into Outer Space, Signed: January 14, 1975, Entered into force: September 15, 1976.

فضا در شکل و صورت کنونی خود، اعمال حقوق حاکمیتی را در فضا به طور کامل ممنوع نمی‌کند و امروزه اقتدار کامل و انحصاری هر کشور بر فضاپیماها، تأسیسات و تجهیزات خود در اسناد بین‌المللی مربوط و همین‌طور عرف بین‌المللی امری پذیرفته شده است. به دیگر بیان، اعمال صلاحیت انحصاری دولت بر دارایی‌ها و اتباع خود در فضای ماورای جو در حکم اعمال حاکمیت سرزمینی خواهد بود که در حقوق فضا با هیچ ممنوعیتی روبه‌رو نیست.^{۳۴} در نتیجه ماده ۲ معاهده فضای ماورای جو، اعمال حقوق حاکمیتی در فضا را منسوخ نکرده است و تنها «اختصاص ملی» در معنای تصاحب سرزمین و بهره‌برداری انحصاری از ذخایر و منابع موجود در فضای ماورای جو، مشمول ممنوعیت‌های موردنظر در معاهده فضای ماورا جو قرار می‌گیرد.

دولت‌ها در فضای ماورای جو نیز مجاز به اعمال اختیارات عالیه خود هستند و از آغاز عصر فضا نیز به همین ترتیب عمل نموده‌اند؛ همان‌طور که در دریاهای آزاد و در مناطق هوایی بالای دریاهای آزاد، عملکرد پیوسته و مداوم دولت‌ها مؤید همین مطلب است. سلف دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در پرونده *لوتوس* به این موضوع اشاره داشته و به‌عنوان یک اصل کلی اعلام می‌دارد که «اعمال حاکمیت دولت‌ها در خارج از آب‌های سرزمینی، مبتنی بر صلاحیت دولت‌ها در اعمال اختیارات حاکمیتی است».^{۳۵}

به این ترتیب اعمال اختیارات حاکمیتی را می‌توان انجام اعمالی دانست که در رابطه با افراد، تجهیزات و تأسیسات دولت مربوط صورت می‌گیرد و نه در رابطه با منطقه یا فضایی خاص.

نتیجه

نخستین شیئی که بشر به ماورای جو فرستاد، از حریم هوایی دولت‌ها عبور کرد و بر فراز آن در ماورای جو قرار گرفت اما از آنجاکه دولت پرتاب‌کننده، کسب اجازه در این زمینه را لازم نمی‌دانست و سایر دولت‌ها هم هیچ‌گونه اعتراضی به این مسئله نمودند، اصل آزادی و در نتیجه عدم تملک به‌عنوان اصولی حقوقی در یک دوره زمانی کوتاه در عرصه فضای ماورای جو استقرار یافت.^{۳۶} علی‌رغم الزامی بودن اصول تملک‌ناپذیری و آزادی، همیشه دو مفهوم حاکمیت و آزادی^{۳۷} آزادی^{۳۷} در تقابل با یکدیگر قرار دارند^{۳۸} و تا زمان تحدید دقیق حریم هوایی و ماورای جو، اجرای

34. Gorove, Stephen, Sovereignty and the Law of Outer Space Re-examined, *Annals of Air and Space Law*, vol. 1, 1977, p. 318.

35. P.C.I.J., *The Case of the S.S. Lotus*, Series A, No. 10, September 7, 1927, p. 19.

36. Lachs, Manfred, in: Hobe, Stephen, et al (eds.), *Cologne Commentary on Space Law*, vol. I, Karl Heymanns Verlag, 2009, p. 46.

37. Sovereignty versus Freedom

38. Diederiks-Verschoor, I.H.Ph., Similarities with and Differences between Air and Space Law Primarily in the Field of Private International Law, *Recueil des cours*, vol. 172, 1981, p. 333.

اصل منع تملک با توجه به وجود اصل آزادی با مشکلات متعددی مواجه خواهد بود. در بخش‌های پیشین ملاحظه شد که مفهوم حاکمیت و به‌طور خاص، حاکمیت سرزمینی، به معنای در دست‌داشتن مالکیت و کنترل قطعه‌ای از سرزمین به نفع دولت حاکم است و کارویژه حاکمیت نیز جلوگیری و ممانعت از طرح ادعاهای مالکانه مشابه از سوی سایر دولت‌هاست. به دیگر بیان، اعمال حقوق مالکانه و انتفاع از منابع موجود در کرات آسمانی از رهگذر ادعاهای حاکمیتی، خود متضمن جلوگیری از بهره‌وری سایر دولت‌ها از این منافع است زیرا چنان‌که اشاره شد حاکمیت، اختیار و امتیازی انحصاری و اشتراک‌ناپذیر است. بدین ترتیب اگر دولتی خود را به‌واسطه حاکم بودن، مالک بخشی از فضا قلمداد کند، به‌طور مشروع حق خواهد داشت تا مانع بهره‌برداری دیگر دولت‌ها از آن مناطق شود. اما این دقیقاً همان نکته‌ای است که در معاهده فضای ماورای جو مشمول ممنوعیت شده است. نتیجه این ممنوعیت آن است که حتی دولت‌هایی که در مناطقی از فضای ماورای جو مشغول انجام کاوش و فعالیت هستند، نظر به مسبوق‌نبودن این فعالیت‌ها به تصرفات مالکانه، نمی‌توانند از ورود سایر دولت‌ها به آن مناطق جلوگیری کنند. اما دامنه ممنوعیت مندرج در معاهده فضای ماورای جو تا بدانجا پیش نمی‌رود که مالکیت دولت‌ها بر تجهیزات و تأسیسات را نیز دربرگیرد و از این قرار، تسلط حاکمانه دولت‌ها بر این دارایی‌ها حتی در مناطق وراى صلاحیت ملی نیز مستقر خواهد ماند.

خاطرنشان می‌شود که مسائل بسیاری در رابطه با اصل عدم تملک فضای ماورای جو مطرح می‌شود که تنها در پرتو همکاری و هماهنگی متقابل در سطح بین‌المللی قابل حل و فصل است. از جمله مهم‌ترین این مسائل عبارت‌اند از: تأسیس و نگهداری پایگاهی برای فرودآمدن بر سطح کرات و استقرار تجهیزات برای پرتاب از آن، چگونگی همکاری به هنگام بروز حوادث و مشکلات، وضع مقررات حقوقی، تأسیس مراکز ارتباطی در سطح کرات آسمانی، بهره‌برداری از معادن و ذخایر منابع طبیعی کرات، توسعه پژوهش‌های علمی، تبادل اطلاعات هواشناسی و فضاشناسی و اطلاعات ضروری برای افراد در کرات و سایر مسائل غیرقابل پیش‌بینی. همچنین حکومت اصل عدم تملک، نتایج آشکاری به دنبال دارد؛ از جمله اینکه هیچ کشوری رأساً حق تعیین مرز میان حریم هوایی و فضای ماورای جو را ندارد و نیز از آنجا که هیچ کشوری مالک فضا یا بخشی از آن تلقی نمی‌شود، کلیه سفینه‌های فضایی، لزوماً باید از صلاحیت انحصاری کشور ثبت‌کننده شیء فضایی، و نه احیاناً مالک سرزمین مربوط پیروی کنند.^{۳۹} در این مقال به ذکر این نکته اکتفا می‌شود که تا زمانی که مرز میان حریم هوایی و ماورای جو تحدید نشود، اجرای این اصل عملاً با مشکل مواجه خواهد بود.

۳۹. ضیایی بیگدلی، محمدرضا؛ حقوق بین‌الملل عمومی، گنج‌دانش، ۱۳۸۴، ص ۴۲۴.

به‌طور کلی فرمول مندرج در ماده ۲ معاهده فضای ماورای جو، مظهر تفاوت بنیادین میان حقوق هوا و حقوق فضا است که همان بحث حاکمیت ملی است. اگرچه نشانه‌های غیرمستقیم اعمال حاکمیت، کماکان در برخی فعالیت‌های فضایی نظیر سنجش از راه دور^{۴۰} و ارتباطات از راه دور^{۴۱} نیز بروز می‌کند، به‌طور کلی ممنوعیت تملک فضا خود را در قالب یک اصل بنیادین معاهده فضای ماورای جو تثبیت نموده است.



40. Remote Sensing

41. Telecommunications

منابع:

- فارسی

- امین‌زاده، الهام؛ حقوق بین‌الملل فضا: معاهده فضای ماورای جو، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
- خسروی، مجید؛ هوا و فضا از دیدگاه حقوقی، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، ۱۳۸۱.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا؛ حقوق بین‌الملل عمومی، گنج دانش، ۱۳۸۴.
- نواده توپچی، حسین؛ حقوق بین‌الملل فضا، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، ۱۳۷۸.

- لاتین

- Brownlie, Ian., *Principles of Public International Law*, Oxford University Press, 7th Edition, 2008
- Brus, Marcel, and Von der Dunk, Frank, (eds.), *The International Space Station: Commercial Utilisation from a European Legal Perspective*, Martinus Nijhoff Publishers, 2006.
- Coker, F., Sovereignty, in: *Encyclopedia of the Social Sciences*, Edwin, Seligman, (ed.), The Macmillan Company, 1934
- Diederiks-Verschoor, I.H.Ph., Similarities with and Differences between Air and Space Law Primarily in the Field of Private International Law , *Recueil des cours*, vol. 172, 1981
- Dodge, Michael S., Sovereignty and the Delimitation of Airspace: A Philosophical and Historical Survey Supported by the Resources of the AndreG GH Hley Archive , *Journal of Space Law*, vol. 35, 2009
- Goedhuis, Daniel, Influence of the Conquest of Outer Space on National Sovereignty: Some Observations , *Journal of Space Law*, vol. 6, 1978
- Gorove, Stephen, Sovereignty and the Law of Outer Space Re-examined , *Annals of Air and Space LaS*, vol1 1, 1111
- Hobe, Stephen, et al (eds.), *Cologne Commentary on Space Law*, vol. I, Karl Heymanns Verlag, 2009.
- Piradov, Alexandr, *International Space Law* (Translated from the Russian text by Boris Belitsky), Progress Publishers, 1976
- Shaw, Malcolm, *International Law*, Cambridge University Press, 2008.
- Steinberger, Helmut, Sovereignty , in: Bernhardt, Rudolf (ed.), *Encyclopedia of Public International Law*, Installment 10, 1987.
- Weaver, Jefferson, Illusion or Reality? State Sovereignty in Outer Space , *Boston University International Law Journal*, vol. 10, 1992
- Wildhaber, Luzius, Sovereignty and International Law in, Macdonald, Ronald St. John, and Johnston, Douglas Millar, (eds.), *The Structure and*

Process of International Law, Martinus Nijhoff Publishers, 1983

- Williams, S., Celestial Bodies ,In: Bernhardt (ed.), *Encyclopedia of Public International Law*, Installment 11, 1989

- آرای محاکم و اسناد

- P.C.I.J., *The Case of the S.S. Lotus*, Series A, No. 10, September 7, 1927
- I.C.J. Reports 1986, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (*Nicaragua v. United States of America*), Merits, Judgment.
- David Davies Memorial Institute, Draft Code of Rules on the Exploration and Uses of Outer Space , *Journal of Air Law*, vol. 29, 1963.

